info@payamdaily.ir
نخستین روزنامه صبح البرز
پیام آشنا
شماره ۲۷۷۹
سه‌شنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۴
۱۴ / ذوالحجه / ۱۴۴۶
10 / June / 2025

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۴۴۴۴۴-۰۲۶- فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

چو پرده‌دار به شمشیر می‌زند همه را
کسی مُقیم حریم حَرَم نخواهد ماند
چه جایِ شُکر و شکایت ز نقشِ نیک و بد است؟
چو بر صحیفه هستی رقم نخواهد ماند

غزل

چون نیست یار در غم او هیچ کس مرا
ای دل تو دست گیر و به فریاد رس مرا
اوحدی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۰۳	۰۴:۴۹	۱۲:۰۵	۱۹:۲۲	۱۹:۴۳

برگه

باور کنید زندگی ارزش زیستن و ادامه‌دادن را دارد. این باور به خلق حقایق کمک خواهد کرد...
ویلیام‌جیمز

برش

جنگ بزرگ روسیه و اروپا اتفاق می‌افتد؟

وضعیت اروپا نشان می‌دهد که کشورهای اروپا مانند دوران صلح مسلح (از ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴)، یعنی پیش از وقوع جنگ جهانی اول، در حال قدرتمند کردن خود، ساخت تسلیحات مختلف و خرید سلاح های گوناگون هستند این مساله اگر با اختلافات سیاسی همراه شود، ممکن است اتفاقاتی از جمله جنگ های جهانی را تکرار کند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبر فوری، به نظر می‌رسد کشورهای اروپایی در حال قدرت گرفتن بیشتر هستند. شرایط قاره سبز در حال تغییر است. آلمان، فرانسه، انگلیس و حتی کشورهایی مانند لهستان و فنلاند در حال قدرت گرفتن بیشتر و بیشتر هستند. این مساله بیش از هر چیز معلول حمله روسیه به اوکراین است. این هجوم همانند هجوم عثمانی‌ها به امپراتوری روم شرقی و فتح قسطنطنیه عمل کرده است. همانطور که بعد از گشودن قسطنطنیه اروپا به لرزه افتاد و شروع به تقویت بنیه نظامی خود کرد، حمله پوتین به اوکراین نیز سبب وحشت اروپا گشته است. با این حال، این تنها عاملی نیست که اروپا را به صرافت انداخته است. کشورهای اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم به فکر تغییر استراتژی خود افتادند. آنها ترجیح دادند در بحبوحه جنگ سرد، در زمینه امنیتی و سیاسی به آمریکا اتکا کنند و با ایجاد اتحادیه اروپا، یک نهاد اقتصادی بزرگ ایجاد کنند تا بدین صورت از تکرار حوادثی مانند جنگ جهانی اجتناب کنند و همزمان، آسیب های ناشی از دو جنگ بزرگ را جبران کنند. با این حال، آمریکا در زمان ترامپ این معادله را به هم زد. رئیس جمهور جنجالی آمریکا با شعار «اول آمریکا» حمایت خود از اروپا را به حداقل رساند. این مساله به روسیه جرات داد که به اوکراین حمله کرده و اروپا را نگران هجوم بیشتر مسکو به بالتیک و خاک اتحادیه اروپا کند. اروپا بعد از این حمله توقع حمایت آمریکا از خود را داشت. با این حال، ترامپ همه چیز را تغییر داد. او در دور دوم ریاست جمهوری خود به جای حمایت از اروپا از پوتین حمایت کرد و باعث خشم اروپایی ها گردید. اروپا متوجه شد که دیگر هیچ حامی ندارد و مجبور است برای مواجهه با تهدیدات به خصوص تهدید روسیه، به خود متکی باشد. این تجربه ای است که ژاپن و کره جنوبی نیز در دور نخست ریاست جمهوری ترامپ تجربه کرده (اینجا بخوانید) و در دور دوم نیز در حال تکرار آن هستند. اتفاقی که در اروپا در حال وقوع است چند وجه دارد. یک وجه آن سیاسی است. در این زمینه، شاهد قدرت گیری گروه ها و احزاب راست افراطی هستیم که می توان این امر را معلول مستقیم اقدامات ترامپ در آمریکا دانست. وجه دیگر «امنیتی» است که به تسلیح روزافزون کشورهای اروپایی منتج می‌شود. کشورهای اروپایی به سرعت در حال قدرت گرفتن بیشتر نظامی، تولید تسلیحات جدید، خرید سلاح و ساخت بمب های مختلف و حتی تغییر در وضعیت نیروی نظامی خود هستند. بد نیست به برخی از اقدامات نظامی آنها در یک ماه اخیر اشاره کنیم.

انگلستان

انگلستان اعلام کرده که قصد دارد ۱۲ زیردریایی هسته‌ای جدید بسازد. قرار است این زیردریایی ها از دهه ۲۰۳۰ به نیروی دریایی بپیوندند. قرار است ۱۵۰ میلیارد پوند برای برنامه سلاح‌های هسته‌ای انگلیس سرمایه‌گذاری شود. انگلیس قصد دارد ۱.۵ میلیارد پوند برای احداث ۶ کارخانه ساخت مهمات اختصاص دهد. انگلیس قصد دارد از آمریکا جنگنده‌هایی خریداری کند که قادر به حمل و شلیک سلاح‌های هسته‌ای باشند. همچنین قرار است لندن ۷ هزار سلاح دوربرد از آمریکا خریداری کند. جت های جنگنده انگلستان به زودی قادر خواهند بود سلاح‌های هسته ای حمل کنند.

آلمان

موشک کروز Taurus KEPD ۳۵۰ ساخت آلمان با برد بیش از ۵۰۰ کیلومتر به زودی رونمایی می‌شود. آلمان طرح تشکیل نیروی زمینی نوین با ۲۸۰ هزار نیرو و سرباز را تدوین کرده و به زودی اجرایی خواهد کرد. آلمان در حال تکمیل مرحله نهایی اشکال‌زدایی و آماده‌سازی برای عملیاتی کردن ناوچه F۲۶۸ آگسبورگ است. این ناوچه مجهز به موشک‌های ضد کشتی سوئدی RBS-۱۵ Mk۳ (با برد ۲۰۰ کیلومتر)، یک توپخانه ۷۶ میلی‌متری OTO Melara، دو سامانه تسلیحاتی کنترل از راه دور MLG ۲۷ و دو سامانه دفاع هوایی RAM Block II (هر کدام ۲۱ موشک) خواهد بود. آلمان اولین تیپ نظامی برون‌مرزی خود را از زمان جنگ جهانی دوم در لیتوانی افتتاح کرد.

فرانسه

فرانسه چهارمین زیردریایی هسته‌ای کلاس باراکودا را به آب انداخت. ساخت و صادرات جنگنده رافال به اوج خود رسیده است. در آخرین نمونه، فرانسه قصد دارد حداکثر ۱۶ فروند جنگنده رافال به اندونزی بفروشد. فرانسه قصد دارد تا سال ۲۰۴۵ یک گروه هوایی برای ناو هواپیمابر جدید PA-Ng تشکیل دهد که شامل جنگنده‌های ارتقا یافته رافال F۵، هواپیماهای آواکس E-۲D و یک بخش مهم بدون سرنشین خواهد بود. یک پهپاد جدید ناونشین توسط شرکت داسو توسعه یافته و برای عملیات مشترک رزمی‌هوایی و زمینی در نظر گرفته شده است.

ایتالیا

ایتالیا رهبری پروژه سلاح لیزری متحرک اتحادیه اروپا را بر عهده گرفت. اتحادیه اروپا پروژه «سیستم‌های انرژی هدایت‌شده» را که قرار است تحت رهبری ایتالیا و در چارچوب ابتکارات دفاعی جدید خود که در ۲۷ مه ۲۰۲۵ اعلام شد، توسعه یابد، تصویب کرد.

لهستان

لهستان قرارداد تسلیحاتی بزرگی با کره جنوبی بسته است. ۹ سامانه موشک‌انداز چندگانه کره ای از مهم ترین تسلیحات خریداری شده توسط لهستان است. لهستان در حال ساخت زیرساخت‌های نظامی خود در نزدیکی کالینینگراد روسیه است.

سایر کشورها

به جز موارد فوق، کشورهای حوزه بالتیک، اروپای شرقی، ترکیه و کشورهای اسکاندیناوی نیز در حال تقویت تسلیحاتی خود هستند.

احیاء دوران صلح مسلح

وضعیت اروپا نشان می‌دهد که کشورهای اروپا مانند دوران صلح مسلح (از ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴)، یعنی پیش از وقوع جنگ جهانی اول، در حال قدرتمند کردن خود، ساخت تسلیحات مختلف و خرید سلاح های گوناگون هستند این مساله اگر با اختلافات سیاسی همراه شود، ممکن است اتفاقاتی از جمله جنگ های جهانی را تکرار کند.

گزارش روز

ضربه سخت به جنگ نرم

اهمیت دستاورد اطلاعاتی ایران، صرفاً در محتوا یا حجم اطلاعات نیست، بلکه در شکستی است که به ساختار امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل وارد کرده است. رژیمی که همواره تلاش کرده با روایت‌سازی رسانه‌ای، خود را در قامت یک قدرت اطلاعاتی برتر معرفی کند. این‌بار هدف یک ضربه اطلاعاتی دقیق و عمیق قرار گرفته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی به‌طور مستمر درگیر یک جنگ اطلاعاتی و امنیتی پیچیده بوده‌اند نبردی پنهان که گاه در سطح رسانه‌ها و گاه در سکوت محافل امنیتی دنبال شده است. هر از چند گاهی، خبری در این زمینه منتشر می‌شود که لایه‌هایی از این نبرد نامرئی را آشکار می‌سازد. در گذشته، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، مدعی شد که دستگاه‌های امنیتی‌اش به اسناد مربوط به پرونده هسته‌ای ایران دست یافته‌اند. آن زمان، این اقدام در رسانه‌های غربی به‌عنوان یک عملیات اطلاعاتی بزرگ مطرح شد. اما امروز، اوضاع متفاوت شده است. طبق گزارش‌های موثق، جمهوری اسلامی ایران موفق شده به اسناد گسترده‌ای از درون سرزمین‌های اشغالی دست یابد این اسناد اکنون در اختیار نهادهای امنیتی ایران قرار گرفته‌اند و وزیر اطلاعات نیز درباره برخی ابعاد آن توضیحاتی ارائه کرده است. اهمیت این دستاورد اطلاعاتی، صرفاً در محتوا یا حجم اطلاعات نیست، بلکه در شکستی است که به ساختار امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل وارد کرده است. رژیمی که همواره تلاش کرده با روایت‌سازی رسانه‌ای، خود را در قامت یک قدرت اطلاعاتی برتر معرفی کند. این‌بار هدف یک ضربه اطلاعاتی دقیق و عمیق قرار گرفته است. می‌توان این رویداد را در سطح «طوفان الاقصی» در حوزه اطلاعاتی دانست: طوفانی که تعادل امنیتی را به‌نفع ایران تغییر می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران، با این موفقیت، نه‌تنها توانمندی اطلاعاتی خود را به نمایش گذاشته، بلکه در حوزه بازدارندگی نیز وارد مرحله‌ای جدید شده است. اکنون ایران از جزئیات دقیق مراکز حساس هسته‌ای، نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی مطلع است. اطلاعاتی از ذخایر استراتژیک، آزمایشگاه‌ها، زیرساخت‌ها و توانمندی‌های پنهان این رژیم در اختیار ایران قرار گرفته که در صورت نیاز، می‌تواند مبنای عملیات‌های آینده باشد. اگر وعده صادق۳ به‌طور کامل محقق شود، ضربات ایران به اهداف حیاتی اسرائیل، نه‌تنها دقیق، بلکه ویرانگر خواهد بود. این اطلاعات می‌تواند به‌عنوان یک اهرم بازدارنده مهم عمل کند و محاسبات دشمن را به‌ویژه در آمریکا و تل‌آویو، دگرگون سازد. در واقع، اکنون هم رژیم صهیونیستی و هم حامیان غربی‌اش ناچارند در مورد هر گونه اقدام احتمالی علیه ایران، تجدیدنظر جدی کنند؛ چرا که طرف مقابل، دیگر تنها در میدان نظامی یا سیاسی حضور ندارد، بلکه در میدان اطلاعاتی نیز برتری قابل‌توجهی یافته است. بدون تردید، ورود به چنین مرحله‌ای از اشراف اطلاعاتی، دستاوردی بزرگ برای ایران است؛ دستاوردی که نه‌فقط در سطح عملیاتی، بلکه در سطوح راهبردی، موازنه را تغییر می‌دهد. این پیروزی اطلاعاتی، بازتابی از اقتدار پنهانی است که جمهوری اسلامی طی سال‌ها آن را بنا نهاده است.

حسین کنعانی‌مقدم
کارشناس روابط بین‌الملل

اشاره

دعوای بیزینس‌من‌های آمریکایی سر چیست؟

اینکه چرا به ناگاه دو بیزینس‌من آمریکایی و دو یار و همدم در سطح ترامپ و ایلان ماسک این چنین با همدیگر اختلاف پیدا کرده‌اند؛ موضوعی است که ذهن مخاطبان آمریکایی را نیز به خود درگیر کرده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرارو، چند وقتی است بروز اختلافات میان دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا از یکسو و «ایلان ماسک»، بنیانگذار شرکت تسلا و اسپیس ایکس و حامی سابق وی از سوی دیگر، ابعاد تازه‌ای در رسانه‌های خبری پیدا کرده است. اختلافات میان دونالد ترامپ و ایلان ماسک به‌تازگی تا حدی بالا گرفته که به تنش‌های لفظی نیز کشیده شده است.

در تازه‌ترین واکنش‌هایی که به شدت اختلافات میان ترامپ و ماسک را نشان می‌دهد، ترامپ گفته ایلان ماسک عقل خود را از دست داده است.

ترامپ جمعه شب در مصاحبه‌ای تلفنی با «جاناتان کارل» خبرنگار شبکه آمریکایی «ای‌بی‌سی» و در پاسخ به سوال وی درخصوص احتمال گفت‌وگو با ایلان ماسک، کارآفرین و میلیاردر آمریکایی و صاحب شبکه اجتماعی ایکس گفت: «منظورتان مردی است که عقلش را از دست داده؟»

او در این مصاحبه و در سخنانی که شدت اختلافات میان وی با ماسک را نشان می‌داد، گفت: ماسک می‌خواهد با من صحبت کند، اما من آمادگی صحبت با وی را ندارم.

ای‌بی‌سی نیوز: ترامپ از دست ماسک دلخور است

اما اینکه چرا به ناگاه دو بیزینس‌من آمریکایی و دو یار و همدم در سطح ترامپ و ایلان ماسک این چنین با همدیگر اختلاف پیدا کرده‌اند، موضوعی است که ذهن مخاطبان آمریکایی را نیز به خود درگیر کرده است.

در همین ارتباط، شبکه ای‌بی‌سی نیوز ذیل خبر مصاحبه ترامپ با جاناتان کارل می‌گوید: افراد نزدیک به ترامپ گفته‌اند ترامپ بیش از آنکه از دست ماسک عصبانی باشد، بیشتر غمگین و دلخور است.

یکی از مشاورانی که پنجشنبه شب با او بوده، می‌گوید به‌نظر می‌رسد ترامپ از جدایی که میان آن‌ها رخ داده دلخور است و چیزی هم که صبح جمعه نشان می‌داد، این چنین بود.

وقتی ترامپ خودروی قرمز رنگ ماسک را هم دیگر دوست ندارد!

بنابر روایت شبکه ای‌بی‌سی، در همین حال و پس از دلخوری‌های پیش آمده، یک مقام ارشد دولت آمریکا به «ریچل اسکات» (Rachel Scott)، خبرنگار این شبکه گفت ترامپ اکنون در حال بررسی این مسأله است که خودروی قرمزی رنگی را که پیشتر برای حمایت و تبلیغ ماسک خریداری کرده بود را یا بفروشد و یا آن را به طریقی رد کند.

این در حالی است که نشریه وال استریت ژورنال نیز در گزارشی به نقل از یک مقام ارشد کاخ سفید اعلام کرد ترامپ اکنون در حال بررسی گزینه فروش یا رد کردن خودروی قرمز رنگ تسلایی است که او اوایل سال جاری خریداری کرده بود. به نوشته وال استریت ژورنال، ترامپ پیشتر این خودرو را با هدف حمایت و تبلیغ کسب و کار ایلان ماسک خریداری کرده بود؛ خودرویی که به گفته خبرنگار این نشریه تا غروب پنجشنبه در بخش بیرونی بال غربی کاخ سفید پارک بوده است.

به نوشته ایندیپندنت، این خودروی قرمز رنگ الکتریکی، مدل S بوده که قیمتی در حدود ۸۰۰ هزار دلار دارد. مدل S تسلا در واقع یک خودروی لیفت یک برقی بوده و مدل پرچمدار شرکت تسلا محسوب می‌شود.

آیا ریشه اختلافات ترامپ صرفا دلخوری است یا آنکه مسأله ریشه‌دارتر است؟

اما نگاهی به رسانه‌های آمریکایی نشان می‌دهد ریشه اختلافات ترامپ و ایلان ماسک بایستی چیزی فراتر از یک دلخوری ساده باشد. پایگاه «بیزنس اینسایدر» در گزارشی با عنوان «چطور اختلافی زشت میان ترامپ و ایلان ماسک آشکار شد؟» به ریشه اختلافات ترامپ و ایلان ماسک پرداخت و نوشت: «دوستی ترامپ و ایلان ماسک بر سر اختلاف بر سر لایحه مالیات از هم فروپاشید. ماسک از لایحه مالیاتی ترامپ انتقاد کرد و آن را یک لایحه پرهزینه، بزرگ و زشت خواند»

به نظر می‌رسد ایلان ماسک تاجر آمریکایی که با اهداف خاصی خود را به دولت ترامپ نزدیک کرده بود، اکنون و پس از مشخص شدن این مسأله که وی نمی‌تواند اهدافش را محقق کند به شدت ناراحت است و همین امر نیز انتقادهای فراوان او را به دنبال داشته است.

وقتی ایلان ماسک ترامپ را نمک نشناس می‌خواند

اما همانطوری که گفتیم، ایلان ماسک که با اهداف خاص و در جهت رونق کسب و کار خود به کارزار انتخاباتی ترامپ نزدیک شده بود و به آن کمک کرده بود، اکنون که می‌بیند ترامپ در جهت منافع وی گام برنمی‌دارد به شدت ناراحت و عصبانی است؛ تا جایی که ترامپ را با القابی نظیر نمک نشناس خطاب کرده است.

ترامپ پیش از این در حمایت از لایحه جنجالی خود گفته بود: من همیشه ایلان را دوست داشتم و این موضوع همیشه برایم شگفت‌انگیز بوده است. شما سخنان او درباره من را دیدید، در سخنان او هیچ‌چیز بدی درباره من نگفته است. ترجیح می‌دهم او از من انتقاد کند تا از این لایحه (لایحه کاهش مالیاتی آمریکا)، چون این لایحه فوق‌العاده است.

وی ادامه داد: ایلان ناراحت است چون ما یارانه خودروهای برقی را که هزینه زیادی برای این خودروهای الکتریکی می‌شد را حذف کردیم. آن‌ها با این کار مشکل دارند و می‌خواهند ما میلیاردها دلار یارانه بپردازیم.

اما این سخنان که به مذاق ایلان ماسک خوش نیامد، در واکنشی تند در توییتی نوشت: «بدون من ترامپ انتخابات را ترامپ از دست داده بود، دموکرات‌ها کنترل مجلس نمایندگان را در دست داشتند و جمهوری‌خواهان به نسبت ۴۹ در برابر ۵۱ در سنا [در اقلیت] بودند».

او پس از برشمردن حمایت‌های پیشین خود از ترامپ، در توییت دیگری نوشت: این چنین نمک‌نشناسی!

ترامپ: ایلان ماسک از لایحه خبر داشت؛ ماسک: دروغ است!

ماسک اما در توییتی دیگر، سخنانی از ترامپ را باز نشر کرد که در آن وی گفته بود: «من از ایلان ناامیدم. من بسیار به وی کمک کردم. او بهتر از هر کس دیگری که اینجا نشسته، سازوکار داخلی لایحه را بهتر می‌داند. او با این لایحه مشکلی نداشت و به ناگاه با آن مشکل پیدا کرد. او تنها زمانی با این لایحه مشکل پیدا کرد که فهمید ما قصد داریم الزام خودروهای برقی را کاهش دهیم»

اشاره ترامپ در حقیقت به سیاست دولت متبوع خود است که بر خلاف دولت بایدن، هدف‌گذاری ۵۰ درصدی برای فروش خودروهای برقی تا سال ۲۰۳۰ را لغو کرده است.

ماسک با بازنشر این سخنان ترامپ در واکنش در حساب کاربری خود در توییتر نوشت: دروغ است: این لایحه حتی یکبار نیز به من نشان داده نشد و در تاریکی شب آنچنان به سرعت به تصویب رسید که هیچ کسی در کنگره نتوانست حتی آن را بخواند!

آگهی مزایده عمومی (نوبت دوم)

مزایده عمومی بهره‌برداری (اجاره) رستوران اصلی و رستوران سنتی مجتمع فرهنگی گردشگری کوثر البرز (کردان)

KOSAR Hotels Group
گروه هتل‌های کوثر

نام و نشانی مزایده گزار:
سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر به نشانی تهران خیابان ایرانشهر جنوبی، روبروی خیابان اراک پلاک ۱۳۷

آدرس محل موضوع مزایده:
البرز–کیلومتر ۱۲ اتوبان کرج–قزوین، شهر کوهسار به سمت چندار–مجتمع فرهنگی گردشگری کوثر البرز (کردان)

نوع و مبلغ تضمین شرکت در مزایده:

ردیف	موضوع مزایده	شماره مزایده در سامانه	مبلغ تضمین شرکت در مزایده
۱	بهره‌برداری (اجاره) رستوران اصلی و رستوران سنتی مجتمع فرهنگی گردشگری کوثر البرز (کردان)	۵۰۰۴۰۹۲۱۶۲۰۰۰۰۶	۱۸،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

لازم است مبلغ تضمین را به صورت ضمانت نامه بانکی بدون قید و شرط یا رسید واریز نقدی به حساب شماره ۰۲۰۳۵۸۷۷۱۸۰۰۸ نزد بانک دی شعبه قائم مقام به نام سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر قابل واریز در کلیه شعب بانک دی ارائه گردد.

توضیحات:
کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.
تاریخ انتشار مزایده در سامانه از ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ می باشد.

مهلت زمان دریافت اسناد مزایده:
از ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ تا ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) می باشد
مهلت آپلود اسناد و بارگذاری پیشنهاد:
از ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ تا ساعت ۱۹:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) می باشد

زمان بازگشایی پاکت‌ها:
روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۲ ساعت ۱۰:۳۰ صبح از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت و به نشانی تهران خیابان ایرانشهر شمالی روبروی خیابان اراک پلاک ۱۳۷ می باشد

محل تحویل پاکت های تضمین به یکی از نشانی های ذیل:
۱–تهران خیابان ایرانشهر جنوبی، روبروی خیابان اراک پلاک ۱۳۷ سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر –واحد مالی
۲–البرز–کیلومتر ۱۲ اتوبان کرج–قزوین، شهر کوهسار به سمت چندار–مجتمع فرهنگی گردشگری کوثر البرز (کردان)–واحد مالی
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۱۴۵۶
تلفن تماس جهت کسب اطلاعات: ۸۸۸۳۳۶۹۵-۰۲۱
مهلت زمان های اعلامی فوق به هیچ عنوان قابل تمدید نمی باشند.
تذکر: هزینه درج آگهی و حق الزحمه کارشناسی بر عهده برنده مزایده خواهد بود.

مدیریت سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر

مکث

«سود بلاهت»؛ چگونه نمایش نادانی در اینستاگرام به درآمد تبدیل شد

کافی است یک ویدیوی بی‌مایه و حسابشده منتشر شود تا با موجی از تمسخر، میلیون‌ها بازدید بگیرد و همان فحش‌ها نردبانی شوند برای تبلیغ، درآمد و شهرت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مهر، احتمالاً برای خیلی‌ها پیش آمده که هنگام چرخیدن در اینستاگرام یا سایر شبکه‌های اجتماعی، با ویدیوهایی عجیب و بی‌هدف در بخش اکسپلور مواجه شده باشند؛ ویدیوهایی که وقتی سری به بخش نظراتشان می‌زنید با موجی از تمسخر و انتقاد روبه‌رو می‌شوید. کامنت‌هایی از این جنس که «حیف از وقت و اینترنتی که برای دیدن این ویدئو تلف شد» در آن‌ها کم نیست. نمونه‌هایش کم نیستند؛ مثلاً زن و شوهری که بدون حتی پخش موسیقی، جلوی دوربین شروع به رقص یا گفت‌وگوهای بی‌سر و ته می‌کنند. نه داستانی در کار است، نه خلاقیتی، نه حتی تلاش برای ایجاد لحظه‌ای سرگرم‌کننده.

به نظر می‌رسد برخی از بلاگرها دیگر به این فکر نمی‌کنند که چه محتوایی می‌تواند مخاطب را بخنداند یا با او ارتباط برقرار کند. برنامه‌ریزی برای ساخت ویدئوهای باکیفیت یا جذاب جایش را داده به اینکه «چه کار کنیم که فحش بخوریم و دیده شویم؟» انگار هدف، دریافت واکنش منفی است، چون همین واکنش‌ها باعث بیشتر دیده شدن محتوا می‌شوند. واقعیت این است که حالا بعضی‌ها اصلا دنبال ساخت محتوای مفید یا جذاب نیستند؛ فقط می‌خواهند کاری کنند که مردم برای مسخره کردن یا انتقاد، ویدئو را تا آخر ببینند. همه‌چیز شده یک جور دو تا چهارتای عجیب برای جلب توجه، حتی اگر به قیمت تمسخر و واکنش‌های تند تمام شود.

عادی‌سازی بلاهت در فضای مجازی

کافی است یک ویدئوی سطحی و کاملا بلاهت‌گونه اما از پیش طراحی‌شده منتشر شود تا میلیون‌ها بازدید بگیرد. کامنت‌های چند صدهزار نفر زیر این محتواها، مثل سوخت انرژی برای رشد صفحه عمل می‌کند؛ صفحه‌ای که به مرور تبلیغات می‌گیرد و درآمدزایی می‌کند. اینستاگرام امروز به محلی برای ترویج و رشد یک نوع بلاهت قارچ‌گونه تبدیل شده؛ جایی که رقابت اصلی این است که چه کسی می‌تواند محتوای سطحی‌تر و بی‌معنی‌تری تولید کند. رقابتی که هدفش نشان دادن این است که چطور می‌شود با کمترین تلاش، بیشترین بازدید و فالوئر را داشت. برای این افراد، اصلاً مهم نیست خانواده‌هاشان درباره‌شان چه می‌گویند یا چه تصویری از خود به جا می‌گذارند حتی از اینکه آبروی‌شان را کف دست بگذارند و هوش و ذکاوتشان را زیر سوال ببرند هم اهمیتی نمی‌دهند. این بلاگرها اصول اولیه عقلانیت و احترام به مخاطب را به راحتی فدای افزایش فالوور و بازدید و لایک می‌کنند. حالا بعد از این نمایش‌های بی‌معنی، نوبت به تبلیغات می‌رسد و درآمد خوب حاصل از آن. تنها نتیجه این روند است. بی‌آنکه کسی به پیامدهای فرهنگی و روانی این محتوا برای مخاطب کوچک‌ترین اهمیتی بدهد. ما، کاربران معمولی فضای مجازی، ساعت‌ها وقت خود را صرف تماشای این بی‌ محتواها می‌کنیم، و جالب اینکه هر چه سطح این محتوا پایین‌تر و زردتر باشد، احساس «وقت تلف کردن» ما هم پررنگ‌تر می‌شود. چون حتی یک لحظه خنده واقعی یا جذابیت بصری در بین‌شان پیدا نمی‌کنیم.

مسیر میان‌بر دیده‌شدن

آن‌ها دقیقاً می‌دانند کجا را نشانه بگیرند و روی کدام نقاط حساس دست بگذارند؛ جایی که باورها و ارزش‌های مردم در آن ریشه دارد. مثلا بعضی بلاگرهای زن، با لباس‌هایی که بیشتر شبیه به پوشش همراه عروس است، آرایش غلیظ و ناخن‌های تیز و رنگ‌های جیغ، به اماکن مقدس پا می‌گذارند. وقتی مردم به آن‌ها اعتراض می‌کنند و می‌پرسند چرا با چنین ظاهری وارد مکان مذهبی شده‌اند، این افراد شروع به مظلوم‌نمایی می‌کنند. اشک می‌ریزند و از قضاوت شدن گلایه می‌کنند: «شما دارید مرا قضاوت می‌کنید» یا «شما را به خدا می‌سپاریم». همین واکنش‌های نمایشی، در واقع بنزین لازم برای تولید محتوای زرد و پرمخاطب بعدی است که باز هم چشم‌ها را به سوی آن‌ها جلب می‌کند.

این بلاگرهایی که باعث تکثیر نادانی در فضای مجازی هستند با تضادهای آشکار، نه تنها واکنش مردم را به دنبال دارد بلکه تبدیل به سوژه‌ای می‌شود برای جذب بازدید، کامنت و فالوور بیشتر. آن‌ها خوب بلدند چطور از این تناقض‌ها و حاشیه‌ها برای دیده شدن استفاده کنند بی‌آنکه کوچک‌ترین توجهی به احترام و باورهای دیگران داشته باشند.

چرخه باطل

بلاگرها و چهره‌های مجازی، با درکی عمیق از الگوهای رفتاری مخاطب، بازی‌ای چندلایه و حساب‌شده را پیش می‌برند. آن‌ها به‌عمد تضادهایی را در روایت زندگی خود می‌گنجانند تضادهایی که از پیش، برایشان سناریو چیده شده. آن‌ها می‌دانند چه زمانی باید اشتباه کنند یا خود را به نادانی بزنند یا چه حرفی را باید در زمان مناسب بزنند تا موجی از انتقاد یا تمسخر به راه بیفتد. این حاشیه‌ها، خوراک اصلی همین شبکه‌های مجازی است و در دنیای آنها دیده شدن همان پله‌ی ترقی است، دیده شدن بیشتر، یعنی فالوور بیشتر، تبلیغ بیشتر، و ثروت آسان‌تر اما آن سوی ماجرا، مخاطبی وجود دارد که روزبه‌روز با دیدن این بلاگرها دچار حس سرخوردگی می‌شود. سرخوردگی و حس ناامیدی از جنس دانشجویی که همزمان با تحصیل، کار پاره‌وقت می‌کند و حقوق یک ماهش شاید به اندازه یک استوری تبلیغاتی همان بلاگر نباشد. یا کارمندی که سال‌ها درس خوانده تا پشت یک میز در یک اداره بنشیند و حالا باید ببیند که «تظاهر» چطور بیشتر از تخصص درآمد دارد. این چرخه همچنان می‌چرخد؛ چرخه‌ای که نه با محتوا تغذیه می‌شود و نه با خلاقیت، بلکه با تکرار، تناقض و کلیشه. و بدتر اینکه هر روز آدم‌های بیشتری بی‌آنکه حرف تازه‌ای داشته باشند وارد این چرخه باطل می‌شوند.

هر واکنش، سهیم در تداوم این ابتذال

در جهانی که هر ثانیه‌اش با اسکرولی گذرا می‌گذرد، ظاهراً دیگر نیازی به فکر کردن، آموختن یا حتی خندیدن از ته دل نیست؛ کافی‌ست «دیده شوی» و اگر ابزار دیده شدن، بلاهت نمایشی، تحقیر خود و بی‌احترامی به شعور جمعی باشد، باز هم مهم نیست. فضای مجازی امروز آینه‌ای‌ست که اگرچه قاب پرزرق‌وبرقی دارد اما تصویر درون آن گاه نگران‌کننده و غم‌انگیز است. آنچه در پس بازدیدهای میلیونی و کامنت‌های انفجاری پنهان مانده، تنهایی عمیق نسلی‌ست که برای دیده شدن، از بودن تهی می‌شود. ما در شبکه‌های مجازی میان یک بازار شلوغ و بی‌قاعده ایستاده‌ایم بازاری که در آن نه صداقت، نه مهارت، نه تفکر، که صرفاً «جنجال» و «تناقض» و «بلاهت» سرمایه اصلی بلاگرها شدند. در این بازار، ارزش محتوا نه با میزان عمق، داشتن محتوا که با حجم واکنش‌های لحظه‌ای سنجیده می‌شود. بدتر از همه، اینکه هر بار ما به این بازی واکنش نشان می‌دهیم، چه با خنده، چه با تمسخر، چه با عصبانیت، عملاً در حال سرمایه‌گذاری روی همان چرخه‌ای هستیم که از آن بیزاریم.

شاید زمان آن رسیده باشد که به جای دست‌وپا زدن در این گرداب یک لحظه مکث کنیم. گوشی را کنار بگذاریم و از خود بپرسیم: «آیا واکنشم، سهمی در تداوم این ابتذال ندارد؟» شاید اولین گام برای پایان دادن به چرخه نه اعتراض بلند که سکوتی هوشمندانه باشد؛ سکوتی که به جای همراه شدن، راه فهمیدن را انتخاب می‌کند.